

بررسی دیدگاه‌ها درباره تفسیر علمی قرآن

اسدالله حسن زاده^۱

چکیده

تفسیر علمی، گونه‌ای از تفسیر است که در پی استخدام دانش بشری قطعی برای فهم بهتر آیات قرآن کریم و اینکه علوم تجربی قطعی، به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید. گرچه با پیشرفت علوم تجربی در دوران معاصر با رشد چشمگیری در تفسیر علمی، توسط دانشمندان اسلامی مواجه هستیم، اما این نوع تفسیر، ریشه در تاریخ اسلام دارد. تفسیر علمی با آغاز فتوحات و گسترش اسلام و شروع نهضت ترجمه و اختلاف مذاهب و فرقه‌ها و کشمکش‌های کلامی، به موازات پیشرفت جامعه اسلامی رشد نموده است. اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم قمری، محمد غزالی، اندیشه علمی نگری به قرآن را مطرح نمود. نظریه‌پردازی علمی به قرآن غزالی، باعث گردید که مفسرانی، مانند فخر رازی، طنطاوی و... به منصفه ظهور برسند. در این مقاله سعی می‌نماییم که نگاهی مفاهیم تحقیق و تعریف تفسیر علمی انداخته، بعد دیدگاه‌ها در مورد تفسیر علمی و دلایل موافقان و مخالفان و قائلین به تفصیل را بررسی نموده و در ادامه به گونه‌های تفسیر علمی اشاره نموده و گونه صحیح را انتخاب نموده‌ایم. بعد معیار تفسیر علمی معتبر را بیان نموده و در آخر به نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده را آورديم.

کلمات کلیدی:

روش، تفسیر، علم، تفسیر علمی، تفسیر به رأی.

مقدمه

قرآن و علوم جدید، یکی از مباحث گسترده و عمیق در عصر حاضر است که ذهن بسیاری از مفسران شیعه و سنی و حتی بعضی دانشمندان غیر مسلمان را به خود مشغول کرده است. بدیهی است که قرآن علاوه بر بیان احکام و مسائل تعبیدی، برای تبیین آنچه در راستای تأمین سعادت دنیا و آخرت و راهیابی انسان در مسیر کسب فضایل عالیه و طلب رضوان الهی مربوط است، نازل شده و تنها برای بیان علوم نیامده است ولی می‌توان گفت که قرآن اشاراتی علمی دارد که در راستای اهداف هدایتی و تربیتی خود از آن‌ها استفاده کرده است. مباحث مربوط به ماهیت علم تجربی و رابطه آن با قرآن و قلمرو و حوزه‌های علم و قرآن و تعارضات پنداری و ابتدایی در این مورد و از طرف دیگر علاقه مردم و دانشمندان به این مبحث و دیدگاه‌های متفاوت مفسران و از طرف سوم مثال‌های متنوع و زیاد که حدود هزار آیه قرآن را در بر می‌گیرد، سبب شده که مبحثی گسترده به نام تفسیر علمی در روش‌شناسی تفسیر علمی پیدا شود. ما در این مقاله به تفسیر علمی می‌پردازیم.

پیشینه تاریخی تفسیر علمی

تفسیر علمی قرآن کریم، گرچه در عصر حاضر تبدیل به یک پدیده قابل توجه شده است و تاکنون کتب و مقاله‌های فراوانی در مورد آن نگارش یافته، اما این روش تفسیر، ویژگی عصر حاضر نبوده و از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است و تفسیر آیات قرآن کریم به مدد کشفیات علمی اعم از «فرضیه و تنوری» و «قانون» در میان متقدمین و متأخرین طرفداران و دل‌بستگی داشته، اما بلوغ گرایش به این شیوه در تفسیر و اوج آن، در قرن اخیر است.

پیشرفت‌های خیره‌کننده علوم و فنون در چند قرن اخیر - خصوصاً قرن معاصر - و موفقیت‌های پی‌درپی بشر به حل مجهولات و کشف افق‌های جدید در دانش و معرفت که منجر به تسلط هر چه بیشتر او بر زمین و فراوسوی آن و بروز تغییرات مشهود در چهره زندگی فردی و اجتماعی او شده است. از یکسو و وجود آیات متعددی در قرآن کریم که در آن‌ها به مسائل «کون» و عالم آفرینش اشارت رفته است، قائلین به تفسیر علمی و شماری از دانشمندان علوم تجربی و طبیعی را بر آن داشت تا آنان نیز همچون سایر گروه‌های مردم، به تدبیر و تحقیق در قرآن کریم پرداخته و با استفاده از تخصص‌های مختلف نظیر طب، نجوم و هینت، زمین‌شناسی،

زیست‌شناسی و... آیات کونیه را تبیین و هرکدام به‌نوبه خود وجهی از وجوه لایتنهای اعجاز قرآن را به جویندگان معارف عالیه، عرضه بدارند.

گرایش به تفسیر علمی، از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است و این شیوه تفسیری در میان مفسران‌کهن نیز پویندگانی داشته است. از جمله این مفسران‌کهن نیز و تألیفات آنان در اختیار است می‌توان از ابوحامد غزالی، فخر رازی، ابن ابی الفضل المرسی، زرکشی و سیوطی نام برد.

۱. مفاهیم تحقیق

۱-۱. تفسیر

تفسیر از ریشه «فسر» مصدر باب تفعیل است و لغت‌شناسان معانی متعددی برای این واژه آورده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کشف مراد از لفظ مشکل (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل ماده فسر)؛ کشف معنای لفظ و اظهار آن (طریحی، ۱۹۸۵: ذیل ماده فسر)؛ بیان نمودن معنای سخن (صفی پور: ذیل ماده فسر)؛ بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن (زبیدی، ۱۳۰۶: ذیل ماده فسر)؛ اظهار معنای معقول (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ذیل ماده فسر)؛ بیان و توضیح دادن شیء (ابن فارس: ذیل ماده تفسیر)؛ آشکار ساختن امر پوشیده (ابن منظور، پیشین: ذیل ماده فسر) و معانی دیگری که نیازی به بیان آن‌ها نیست.

یادآوری این نکته هم لازم است که برخی مانند سیوطی در الاتقان و زرکشی در البرهان «تفسیر» و «فسر» را مشتق شده از «سفر» دانسته‌اند. دلیل آنان بر این ادعا همگونی و تناسب معنای «فسر» و «سفر» (آشکار شدن) می‌باشد؛ اما طبق بررسی‌های انجام شده، این دو واژه، دو معنا و کاربرد متفاوت دارند: «تفسیر» و «فسر» اغلب درباره اظهار معنای معقول و آشکار کردن مطالب علمی و معنوی استعمال می‌شود و «سفر» در مورد آشکار کردن اعیان و اشیاء خارجی و محسوس بکار می‌رود؛ لذا نه‌تنها تناسب معنایی لازم بین این دو وجود ندارد، به فرض چنین تناسبی، صرف همگونی و تناسب معنایی «سفر» و «فسر» دلیل بر اشتقاق و انشعاب «تفسیر» و «فسر» از «سفر» نیست.

مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی، تعریف‌های گوناگونی برای تفسیر بیان کرده‌اند؛ اما ما در این تحقیق، برای جلوگیری از طولانی شدن بحث به ذکر یک تعریف از آیت‌الله‌العظمی

خویی بسنده می‌کنیم. ایشان در تعریف تفسیر می‌فرمایند: «التفسير هو إيضاح مراد الله تعالى من كتابه العزيز تفسیر» (خویی، بی‌تا: ۳۹۷)، روشن ساختن مفهوم آیات قرآن و واضح کردن منظور پروردگار است. (خویی، ۱۳۸۲: ۵۲۶)

۲-۱. علم

مقصود از علم، در این مقاله علوم تجربی^۱ است که به دو شاخه علوم طبیعی^۲ (همچون: فیزیک، پزشکی، گیاه‌شناسی و...) و علوم انسانی^۳ (همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و...) تقسیم می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۸۱)

۳-۱. تفسیر علمی

صاحب‌نظران علوم قرآن، تعریف‌های متعددی در مورد تفسیر علمی ارائه کرده‌اند روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که بر اساس آن‌ها تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است، گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن از آن یاد شده است. ما در این بخش به دوتا از تعریف‌ها، اشاره می‌کنیم:

۱. عبدالرحمن العک تفسیر علمی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد». (رضایی اصفهانی، پیشین: ۱۷۸)

البته این تعریف تا حدودی به مقصود اصلی تفسیر علمی نزدیک شده است و از تعریف آن به صورت استخراج و تحمیل دوری گزیده است. ولی در این تعریف روشن نشده که علوم قطعی یا نظریه‌های ظنی در تفسیر علمی استفاده خواهد شد.

۲. دکتر فهد رومی در تعریف تفسیر علمی می‌نویسد:

^۱ ExPRIMENTAL SCINCES

^۲ NATURAL SCINCES

^۳ HUMANITTES

«مراد از تفسیر علمی اجتهاد مفسّر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن (از طرف خدا) صادر شده و صلاحیت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد.»

آقای دکتر رفیعی نیز پس از بیان تعریف‌های مختلف و نقد و بررسی آن‌ها تعریف فوق را مناسب‌تر معرفی می‌کند (رفیعی محمدی، پیشین: ۲۳). این تعریف با مراد ما در این نوشتار که همان استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است و اینکه علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آید، مفسر تفسیر علمی تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت نماید و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد؛ سازگار است.

۲. تفسیر علمی قرآن و دیدگاه‌ها

مفسران و دانشمندان مسلمان در مورد تفسیر علمی قرآن سه دیدگاه متمایز دارند که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۲-۱. موافقان تفسیر علمی و دلایل آنان

جمعی از مفسران قرآن، فیلسوفان، متفکران و بسیاری از متخصصان علوم تجربی طرفدار تفسیر علمی بوده و از علوم تجربی در تفسیر آیات قرآن استفاده کرده‌اند. اینک به برخی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که به نوعی به برخی اقسام تفسیر علمی اقدام کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

نمونه‌هایی از تطبیق قرآن با برخی مطالب علمی در آثار دانشمندانی همچون: ابن سینا، ابو حامد غزالی، امام فخر رازی، بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی، جلال الدین سیوطی، علامه مجلسی و ملاصدرا مشاهده می‌شود؛ اما طرفداران رسمی و سرسخت تفسیر علمی قرآن در یک قرن اخیر عبارت‌اند از:

۱. سید عبدالرحمن کواکبی (۱۳۲۰ ق) در کتاب طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد در موارد متعددی به انطباق قرآن با علوم تجربی پرداخته و برای جدا شدن ماه از زمین (بر طبق نظریات کیهان‌شناسی) به آیه ۴۱ سوره رعد و آیه ۱ سوره قمر استدلال کرده است. (رضایی اصفهانی، پیشین: ۱۹۶)

۲. سر سید احمدخان هندی (۱۸۹۸-۱۸۱۷ م) و سید امیرعلی (۱۳۴۷-۱۲۶۵ ق) از دانشمندان هندی که برای تفسیر علمی دانشکده‌ای در «علیگره» تأسیس کردند و نماز و روزه و زکات و حج را بر پایه فایده‌های جسمانی و اجتماعی تفسیر کردند و حتی قوای طبیعی مانند آب و باد و ابر را ملک (فرشته) می‌دانستند و امکان وقوع معجزه و تأثیر دعا را انکار می‌کردند. (همان)

۳. طنطاوی (۱۸۶۲ م) صاحب تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن که تفسیر او را می‌توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. وی در موارد متعددی از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است. از جمله علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی استخراج کرده است. در هر مبحث تفسیری بسیاری از علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر آورده است. (همان)

۴. عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری که چند کتاب درباره تفسیر علمی نوشته است که عبارت‌اند از: القرآن و العلم الحديث، الله و العلم الحديث، الاسلام و العلم الحديث، بین الدین و العلم. (همان: ۱۹۷)

۵. سید هبة الدین شهرستانی (۱۳۰۱-۱۳۶۹ ق) در کتاب اسلام و الهیة که حرکت زمین را از آیه «والذی جعل لکم الارض مهدا» استفاده کرده است و معتقد است «بیان تصدیق و تأیید علوم و اکتشافات جدید از طریق دین و لسان علما موجب تقویت ایمان مردم است». (همان)

برخی از نویسندگان متأخر ایرانی که در مورد تفسیر علمی قلم زده‌اند عبارت‌اند از: آیت‌الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن، محمدتقی شریعتی در تفسیر نوین، دکتر پاک نژاد در اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، مهندس بازرگان در کتاب‌های راه طی شده، باد و باران در قرآن، مطهرات در اسلام و... .

محققینی را که به تفسیر علمی قرآن پرداخته‌اند می‌توان به چند گروه تقسیم نمود که هر گروه هدف خاصی را دنبال می‌نموده‌اند.

۱. کسانی که تلاش کردند علوم مختلف را از قرآن استخراج کنند، از جمله این افراد: غزالی، المرسی، زرکشی، سیوطی، طنطاوی بودند.

دلیل عمده بیشتر این افراد این بوده که همه علوم در قرآن وجود دارد. پس می‌توان با دقت در آیات، با روش‌های خاص و با کمک علوم، آن را از آیات قرآن استخراج نمود. (همان)

۲. افرادی که نظریه‌های ظنی علوم را بر آیات قرآن تطبیق کرده‌اند که از جمله این افراد می‌توان از سید عبدالرحمن کواکبی و عبدالرزاق نوفل نام برد. گاهی برخی از این افراد نظریه‌های علمی را بر قرآن تحمیل کرده‌اند.

همان‌طور که عبدالرزاق نوفل درباره آیه «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها» می‌گوید: مقصود از (نفس واحد) همان پروتون و (زوج) همان الکترون است و این دو عنصری است که اتم از آن‌ها تشکیل شده است. وی این مطلب را دلیل اعجاز علمی قرآن شمرده است. (همان: ۱۹۸)

۳. گروهی در پی اثبات اعجاز علمی قرآن بوده‌اند. برای مثال در مورد زوجیت عام و زوجیت گیاهان ادعای اعجاز علمی کرده‌اند؛ مانند مصطفی صادق رافعی (۱۹۳۸م) در کتاب اعجاز القرآن و البلاغة النبویه. (همان)

۴. گروهی در پی نشان دادن اهمیت علم در نظر اسلام بوده‌اند مانند طنطاوی و سید هبه الدین شهرستانی. (همان)

۵. گروهی در پی اثبات افکار انحرافی خود بودند و تلاش کردند که با استفاده از علوم تجربی، معجزه‌های پیامبران را که در قرآن بیان شده توجیه و انکار کنند. از جمله این افراد می‌توان از سر سید احمدخان هندی و سید امیرعلی و رشید رضا در المنار نام برد. رشید رضا در ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره مسئله مرگ افراد را به شکست آن‌ها و از دست دادن استقلال و زنده شدن آنان را به استقلال و قوت مجدد تفسیر کرده است و ذیل آیه ۲۶۰ سوره بقره زنده شدن چهار مرغ را در داستان حضرت ابراهیم علیهما السلام به تربیت و انس آنان تفسیر کرده است. به سبب وجود همین افراد بود که افرادی همچون علامه طباطبایی (ره) به تطبیق قرآن بر علوم تجربی خرده گرفتند و آن را رد کردند. (همان: ۱۹۸ و ۱۹۹)

موافقان تفسیر علمی برای اثبات ضرورت تفسیر علمی قرآن به دلیل‌های زیر استدلال کرده‌اند:

۱- در قرآن کریم، حدود ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد. استخدام علوم در تفسیر قرآن موجب تبیین اشارات علمی قرآن می‌شود و ما را در تفسیر، تبیین و فهم بهتر آیات یاری می‌کند. برای نمونه قرآن از زیان و منافع شراب سخن می‌گوید: «قل فیهما اثم کبیر

و منافع للناس» (بقره، ۲۱۹) و یافته‌های علوم پزشکی این آیه را توضیح می‌دهد و مقصود خدا را از منافع و مضار تبیین می‌کند و تفسیر روشنی از آیه در اختیار ما می‌گذارد. البته گاهی تفسیر برخی آیات قرآن بدون کمک گرفتن از علوم جدید بسیار مشکل می‌شود. برای مثال فهم و تفسیر آیه‌های ۱۲-۱۴ سوره مؤمنون و آیه ۵ سوره حج نیاز مبرم به استفاده از علوم پزشکی دارد، همان‌طور که برای فهم لغات آیه از لغت قرآن استفاده می‌کنیم، برای فهم مراحل خلقت انسان نیز از علم جنین‌شناسی استفاده می‌کنیم. (همان: ۲۰۸)

۲- تفسیر علمی قرآن در برخی موارد می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند. یعنی قرآن کریم چهارده قرن قبل مطلبی علمی را بیان کرده که برای انسان آن عصر کشف نشده بوده و مردم از آوردن مثل آن عاجز بوده‌اند و اکنون پس از قرن‌ها به‌طور قطعی به‌وسیله علوم تجربی کشف شده است. از این مطلب استفاده می‌شود که قرآن، معجزه‌ای الهی است که نمی‌تواند کلام بشری باشد.

در مورد اعجاز علمی قرآن، به آیاتی در مورد زوجیت عام موجودات و زوجیت گیاهان،^۱ نیروی جاذبه،^۲ حرکت خورشید،^۳ فلسفه حرمت شراب‌خواری،^۴ مراحل خلقت انسان،^۵ لقاح ابرها و گیاهان^۶ و... استدلال شده است. (همان: ۲۰۸ و ۲۰۹)

۳- تفسیر علمی قرآن باعث افزایش ایمان مردم مسلمان و گرایش غیر مسلمانان به قرآن و اسلام می‌شود؛ یعنی هنگامی که ثابت شد قرآن اشارات علمی دارد که قرن‌ها قبل از کشفیات علوم تجربی آن‌ها را بیان کرده است، ایمان مسلمانان و به‌ویژه جوانان نسبت به صدق قرآن بیشتر می‌شود. همان‌طور که مخالفان قرآن در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورند و به عظمت آن اعتراف می‌کنند. به همین دلیل است که می‌بینیم برخی دانشمندان غربی همچون «موریس

^۱ یس، ۳۶.

^۲ رعد، ۲ و لقمان، ۱۰.

^۳ یس، ۳۸.

^۴ بقره، ۲۱۹.

^۵ حج، ۵ و مؤمنون، ۱۲-۱۴.

^۶ حجر، ۲۲.

بوکای» در کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، به بررسی مطالب علمی قرآن، تورات و انجیل پرداخته و در موارد متعددی اعتراف کرده است که تورات و انجیل با یافته‌های علوم تجربی مخالف است اما قرآن مطالب مخالف علم ندارد، بلکه در این مورد مطالب اعجاز آمیزی بیان کرده است. (همان: ۲۰۹-۲۱۰)

۴- بعضی چنین استدلال کرده‌اند که روش عقلی (که همان روش قدما بود) باطل شده است، زیرا با پیشرفت علوم تجربی و فلسفه در غرب، روش عقلی (ارسطویی) باطل شد و از طرفی روایات هم برای تفسیر قرآن مورد اعتماد نیست؛ چون در بسیاری موارد اسرائیلیات و جعلیات داخل آن‌ها شده است. پس تنها راه باقی‌مانده برای تفسیر قرآن، همان تفسیر علمی است؛ یعنی قرآن را در پرتو نظریه‌ها و تجربه‌های علمی بشر تفسیر کنیم. (همان)

۵- هنگامی که ظواهر بعضی آیات قرآن، با مطالب علمی معارض شود، ناچاریم قرآن را تفسیر علمی کنیم تا تعارض آن‌ها رفع شود. برای مثال در هزار سال قبل که هیئت بطلمیوسی حاکم بود و وجود افلاک نه‌گانه را امری مسلم می‌دانستند، آسمان‌های هفت‌گانه قرآن، با افلاک نه‌گانه مطابقت نداشت. پس ناچار شدند عرش و کرسی را به‌عنوان فلک هشتم و نهم معرفی کنند تا تعارض ظاهر آیات با علم نجوم آن زمان برطرف شود. (همان: ۲۱۰-۲۱۱)

۶- بعضی از نویسندگان معاصر مصر می‌گویند: اعجاز قرآن برای اعراب به‌وسیله الفاظ و ترکیب جالب و غیرقابل تقلید آن، اثبات می‌شود. از این رو، قرآن تحدی کرده و گفته است هر کس می‌تواند سوره‌ای مانند آن بیاورد، ولی با گذشت چهارده قرن کسی نتوانسته است سوره‌ای مانند قرآن بیاورد؛ اما برای ملت‌های غیر عرب که نمی‌توانند اعجاز ادبی قرآن را درک کنند لازم است که تفسیر علمی از قرآن صورت گیرد؛ زیرا اعجاز علمی قرآن، آنان را قانع و به طرف اسلام جذب می‌کند. (همان: ۲۱۱)

۷- پاره‌ای از دانشمندان استدلال می‌کنند که در قرآن همه علوم بلکه همه چیز وجود دارد و به آیاتی مانند «نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء»^۱ استدلال می‌کنند. از این رو می‌کوشند تا ثابت کنند که در قرآن علم طب، هیئت، هندسه و... وجود دارد. (همان: ۲۱۱)

دلایل موافقان وقتی مورد بررسی قرار می‌گیرد به این نتیجه می‌رسیم که دلیل چهارم کامل نیست؛ زیرا اینکه می‌گویند: «روش عقلی به وسیله فلسفه غرب باطل شده است.» مطلبی است قابل بحث و بسیاری آن را قبول ندارند و یا حداقل در بخشی از معارف بشری قابل قبول نیست؛ چون برخی مسائل علمی مانند شیمی و فیزیک از راه آزمایش و تجربه پیشرفت می‌کند، ولی در همان موارد هم استقراء ناقص است و برای تعمیم قوانین علمی، به استدلال عقلی احتیاج داریم. از طرف دیگر، در بعضی معارف بشری استدلال عقلی، کاربرد اصلی دارد مانند علم منطق و ریاضی و تجربه اگر وجود داشته باشد، نقش ثانوی خواهد داشت. (همان: ۲۱۲)

اما اینکه گفتند روایات قابل خدشه است، این هم به طور مطلق قابل قبول نیست، زیرا روایات ما چند گروه است.

الف: خبر واحد ضعیف؛

ب: خبر واحد صحیح؛

ج: خبر واحد همراه با قرینه که آن را به خبر یقینی تبدیل می‌کند؛

د: خبر متواتر که اطمینان بخش است.

ما در تفسیر قرآن، بیشتر از دو گروه اخیر استفاده می‌کنیم و اشکال ضعف یا جعل، به گروه اول وارد است که در تفسیر قرآن نقشی ندارند.

در مورد دلیل پنجم می‌گوییم: در بحث تعارض قرآن و علم روشن شده است که بین قرآن و علم قطعی، تعارضی وجود ندارد و اگر تعارضی بین علم ظنی با قرآن درگیرد، ما نمی‌توانیم برای علوم ظنی، دست از دلیل قطعی (قرآن) برداریم.

دلیل ششم در بعضی موارد صادق است ولی یک قضیه کلی نیست؛ زیرا بسیاری از غیر عرب‌ها نیز دانش ادبیات عرب را دارا هستند و می‌توانند اعجاز ادبی قرآن را متوجه شوند و یا حداقل، هر غیرعربی می‌تواند با فراگیری ادبیات عرب، از اعجاز قرآن مطلع شود.

دلیل هفتم صحیح نیست؛ زیرا آیه «تَبَيَّنَا لَكَ كُلُّ شَيْءٍ» قرینه لبی دارد؛ یعنی بیان‌کننده هر چیزی است که در راستای هدف قرآن باشد و هدف اصلی قرآن، هدایت بشر است و هر چیزی که مربوط به هدایت بشر است، در قرآن وجود دارد. اگر اشارات علمی داشته باشد در

راستای همان هدف خواهد بود؛ یعنی برای توجه دادن انسان به خدا، آیات او را در طبیعت یادآوری می‌شود.

علاوه بر آن، ظهور این آیه و آیات مشابه خلاف بداهت است؛ چون می‌بینم که در ظاهر آیه‌های قرآن (که مورد بحث تفسیر علمی است) همه فرمول‌ها و جزئیات علوم تجربی وجود ندارد. شاهد این مطلب آنکه برخی از مفسران آشکارا این ظهور را انکار کرده‌اند.

دلیل اول و دوم تفسیر علمی قوی است و ضرورت تفسیر علمی قرآن را اثبات می‌کند. ولی بدان معنی نیست که ما را از روش‌های دیگر تفسیر قرآن بی‌نیاز می‌سازد، بلکه این دو دلیل دلالت می‌کند که در تفسیر قرآن همان‌طور که از قرینه‌های عقلی و نقلی استفاده می‌شود باید از قرینه‌های قطعی علمی نیز استفاده شود تا تفسیر آیات روشن‌تر شود.

دلیل سوم تفسیر علمی در حقیقت نتیجه دلیل اول و دوم است و شاید نتوان آن را به‌عنوان دلیل مستقل پذیرفت. (همان: ۲۱۲-۲۱۴)

۲-۲. مخالفان تفسیر علمی و دلایل آنان

۱. ابواسحاق شاطبی (۷۹۰ ق)، فقیه مالکی مذهب اندلسی، در کتاب الموافقات تفسیر علمی را انکار و دلیل‌های معتقدان آن را رد می‌کند و معتقد است در زمان نزول قرآن، اعراب علومی داشتند مانند نجوم، علم اوقات نزول باران، علم طب، بلاغت، فصاحت، علم کهنات، رمل، جفر و... اسلام و قرآن، این علوم را به دو دسته تقسیم کرد. علومی که صحیح بود تصدیق کرد و بر آن‌ها مطالبی افزود و علومی که باطل بود (مانند کهنات، رمل و...) را باطل شمرد و منافع و مضار هر دسته را اعلام کرد. سپس برای هر دسته، مثال‌هایی از قرآن می‌آورد. سپس نوشته است «بسیاری از مردم از حد تجاوز کردند، ادعا کردند که در قرآن، همه علوم گذشتگان و آیندگان وجود دارد، مانند علوم طبیعی، هندسه، ریاضی، منطق و علم حروف، ولی این صحیح نیست. سپس برای ادعای خود دلیل می‌آورد که از سلف صالح، کسی این ادعا را نکرده است و قرآن هم برای بیان احکام تکالیف و احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است. پس از آن دلیل‌های معتقدان به تفسیر علمی را که به آیات قرآن «تبیانا لکل شیء» و «ما فرطنا فی الكتاب من شیء» استناد کرده‌اند، رد کرده و نوشته است؛ این آیات مربوط به تعبد و تکلیف است و مراد از کتاب، در آیه دوم لوح محفوظ است و در مورد حروف فواتح

سور هم می‌گوید: که عدد جمل (حروف ابجد و تطبیق آن با آیات) اثبات نشده و این از معارف اهل کتاب است و فواتح را از متشابهات می‌داند. (همان)

۲. شیخ محمود شلتوت (۱۸۹۳-۱۹۶۴ م) از علمای الازهر مصر و دکتر ذهبی را نیز می‌توان جزو مخالفان تفسیر علمی قرآن شمرد. (همان: ۲۰۱)

برای رد ضرورت تفسیر علمی قرآن و اثبات بی‌اعتبار بودن این روش به دلیل‌های فراوانی استدلال نموده‌اند که ما به چند تا از آن‌ها، اشاره می‌نماییم:

۱ - قرآن برای بیان احکام و مسائل تعبدی و آنچه به آخرت مربوط است، نازل شده و برای بیان علوم نیامده است و آیات شریفه هم که ظهور در این مطلب دارد مانند: «نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» «و ما فرطنا فی الکتاب من شیء» (انعام، ۳۸) مربوط به تعبد و تکلیف است، بلکه منظور از کتاب در آیه دوم لوح محفوظ است. (همان: ۲۱۴)

۲ - تمام علوم در قرآن وجود داشته باشد، اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و تابعان آن را متذکر می‌شدند، درحالی‌که کسی از آنان این مطلب را ادعا نکرده است. پس وجود همه علوم در قرآن اثبات نمی‌شود. (همان)

۳ - علوم تجربی قطعی نیست و نظریه‌های آن‌ها متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می‌یابد و صحیح نیست که قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم؛ زیرا بعد از مدتی که آن نظریه‌ها تغییر کند، مردم در مورد بیانات قرآنی شک می‌کنند و ایمان آنان متزلزل می‌شود. (همان: ۲۱۵)

۴ - تفسیر علمی در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می‌شود؛ زیرا افرادی که در صدد تفسیر علمی قرآن هستند، به دلایل متعدد، دچار این مسئله می‌شوند که عبارت‌اند از:
الف: بعضی افراد تخصص کافی در قرآن و تفسیر آن ندارد و بدون داشتن شرایط یک مفسر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کنند و این یکی از مواردی است که افراد به دام تفسیر به رأی می‌افتند.

ب: ممکن است بعضی افراد مغرض با استفاده از آیات علمی قرآن، بخواهند نظریه‌های خود را ثابت کنند که گاهی این نظریه‌ها انحرافی و حتی الحادی است، ولی این کار را با استفاده

از تفسیر علمی انجام می‌دهند که از مصداق‌های بارز تفسیر به رأی است. (همان: ۲۱۵-۲۱۶)

۵- تفسیر علمی، به مادیگری و دهری‌گری (اصالت طبیعت و ماده و نفی خدا) منجر می‌شود. چنانکه بعضی از ملحدان و منکران خدا و گروه‌های انحرافی که دارای چهره نفاق بودند، با تفسیر آیات علمی، نظریه‌های خود را اثبات می‌کردند و جوانان را به طرف الحاد فرا می‌خواندند. (همان)

در مورد دلیل اول می‌گوییم اینکه قرآن برای بیان مسائل آخرت و احکام آمده باشد، با این مطلب که قرآن بعضی مطالب علمی را قبل از کشف آن به وسیله علوم تجربی، خبر داده باشد، منافاتی ندارد، بلکه دلیل عظمت قرآن و علم غیب نازل کننده آن است.

هدف اصلی قرآن، بیان علوم طبیعی و ذکر فرمول‌های فیزیک، شیمی و امثال آن‌ها نیست، ولی می‌توان گفت که قرآن اشارات علمی دارد که در راستای اهداف هدایتی و تربیتی خود از آن‌ها استفاده کرده است. اگر قرآن تنها برای بیان احکام و وسایل تعبدی آنچه به آخرت مربوط است، پس مثال‌های علمی قرآن و مطالب آن‌ها چه می‌شود؟ آیا آن‌ها از قرآن نیست و احتیاج به تفسیر ندارد؟

علاوه بر آن، نظر شاطبی، رد استخراج همه علوم از قرآن (یک قسم خاص تفسیر علمی) است که این مطلب صحیحی است و ما هم این قسم از تفسیر علمی را صحیح نمی‌دانیم. دلیل دوم مخالفان نیز ناظر به وجود همه علوم بشری در قرآن و استخراج آن‌ها از قرآن است که این مطلب مردود است و ناظر به قسم خاصی از تفسیر علمی (استخراج علوم از قرآن) است.

دلیل سوم از یک جهت صحیح و از جهتی غیر صحیح به نظر می‌رسد. اگر قرآن را با نظریه‌ها ثابت نشده علمی تفسیر کنیم، همین اشکال راه‌یابی تضاد علوم در قرآن (تردید در ایمان مردم و...) به وجود می‌آید، ولی اگر قرآن را با علوم تجربی قطعی تفسیر کنیم، این اشکال به وجود نمی‌آید.

دلیل چهارم و پنجم به صورت جزئی (موجب جزئی) صحیح است؛ یعنی در بعضی موارد، افراد با حسن نیت یا سوءنیت دچار تفسیر به رأی می‌شوند و یا از تفسیر علمی سوءاستفاده

می‌کنند و به کژ راه می‌روند و خود را مستحق آتش الهی می‌سازند؛ اما تفسیر علمی همیشه این‌گونه نیست، بلکه اگر فردی با دارا بودن شرایط یک مفسر قرآن و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، آیه‌ای از قرآن که ظاهر آن، با یک مطلب قطعی علمی موافق است، تفسیر کند، نه تنها تفسیر به رأی نیست، بلکه موجب روشن شدن مفهوم و تفسیر آیه نیز می‌شود به عبارت دیگر، این اشکال به مفسر است نه روش تفسیری؛ یعنی کسانی که تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر روایی نیز می‌کنند ممکن است گرفتار تفسیر به رأی شوند ولی این مطلب موجب محکومیت روش تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر روایی نمی‌شود، بلکه خطای مفسر را اثبات می‌کند.

از مجموع دلیل‌هایی که برای رد تفسیر علمی آورده شده بود، به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر آن‌ها، برای رد قسم خاصی از تفسیر علمی (مانند استخراج همه علوم از قرآن یا تطبیق علوم بر قرآن) بود. مطلب دیگر آنکه بسیاری از اشکالات، در مورد سوءاستفاده از تفسیر علمی، برای اثبات افکار انحرافی یا تفسیر به رأی بوده است که این اشکال به افراد است، نه به شیوه تفسیری خاص! که این اشکال کم‌وبیش به همه روش‌های تفسیری وارد است؛ زیرا هر کس ممکن است از هر شیوه تفسیری سوءاستفاده کند.

۳-۲. دیدگاه تفصیلی در تفسیر علمی

برخی از مفسران و دانشمندان اسلامی یک قسم از تفسیر علمی را با شرایطی پذیرفته و قسمی دیگر را رد کرده‌اند. از جمله کسانی که این راه را توصیه کرده‌اند محمد مصطفی مراغی (۱۸۸۱-۱۹۴۵ م) شیخ جامع الازهر و از علمای بزرگ مصر و سودان است. وی از کسانی است که دو مطلب مختلف، نسبت به تفسیر علمی دارد. در مقدمه‌اش بر کتاب الاسلام و الطب الحدیث نوشته عبدالعزیز اسماعیل نوشته است: «من نمی‌خواهم بگویم که قرآن کریم، همه علوم را به صورت کلی و تفصیلی در بر دارد، بلکه می‌گویم که قرآن اصول عام هر چیزی را که معرفتش، برای انسان مهم است و عمل به آن، انسان را به درجه کمال جسمی و روحی می‌رساند، در بر دارد و درهای علم را برای دانشمندان علوم مختلف باز کرده تا بتوانند جزئیات آن علوم را طبق پیشرفت زمان، برای مردمشان بیان کنند.»

هم چنین نوشته است: کسانی که برای [تطبیق با] نظریه‌های علمی - که ثبات ندارد - قرآن را تأویل می‌کنند خطر بزرگی برای قرآن است ... زیرا نظریه‌های علمی که ثابت نشده است،

صحیح نیست قرآن را به آن‌ها، برگردانیم. در پایان نوشته است: «واجب است که آیه قرآن را به طرف علوم نکشانیم تا تفسیرش کنیم و علوم را هم به طرف آیه نکشانیم تا قرآن را تفسیر کنیم، بلکه اگر ظاهر یک آیه با یک حقیقت علمی ثابت موافق باشد، آن آیه را با آن حقیقت علمی تفسیر کنیم.» (همان: ۲۰۰ و ۲۰۱)

محققین و اندیشمندان مانند علامه طباطبایی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله معرفت نیز از جمله معتقدان به تفصیل در مورد تفسیر علمی قرآن می‌باشند.

بسیاری از مفسران به خصوص متأخران به «تفصیل» در مورد تفسیر علمی معتقد هستند؛ زیرا تفسیر علمی، شیوه‌های فرعی و اقسام مختلفی دارد که بعضی صحیح و معتبر و برخی نامعتبرند. ما سعی می‌کنیم این دیدگاه‌ها و دلیل‌های آن‌ها را تا حد امکان ادغام کنیم تا یک دسته‌بندی و نظمی در آن‌ها به وجود آوریم.

۱ - تفصیل بین تطبیق (تحمیل) و غیر آن در تفسیر علمی

بعضی از بزرگان تفسیر علمی، شیوه تحمیل و تطبیق را رد می‌کنند، ولی تفسیر علمی بدون تحمیل یا تطبیق را می‌پذیرند. تطبیق در اینجا به معنی این است که مفسر، در ابتدا یک نظریه علمی را انتخاب کند و سپس آیات موافق آن را، از قرآن پیدا کرده و آیات مخالف آن را تأویل کند که این عمل در نهایت، به تفسیر به رأی منجر خواهد شد، ولی اگر تفسیر علمی به معنای موافقت ظاهر قرآن، با مطالب علمی باشد، بلاشکال است؛ چه آنکه تحمیل و تفسیر به رأی، در آن‌ها وجود ندارد. این دیدگاه را می‌توان به علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله سبحانی نسبت داد. (همان: ۲۲۴)

۲ - تفصیل بین علوم قطعی و غیر قطعی در تفسیر علمی در این دیدگاه، اگر ظاهر قرآن با علوم تجربی قطعی موافق باشد، می‌توان در تفسیر قرآن از آن مطلب علمی استفاده کرد، ولی اگر علوم ظنی باشد، مانند نظریه‌ها و تئوری‌های علمی، نمی‌توان از آن‌ها در تفسیر قرآن استفاده کرد؛ زیرا این نظریه‌ها در معرض تغییر و تبدیل هستند و انطباق قرآن با آن‌ها، موجب می‌شود تا بعد از تغییر آن علوم، مردم در حجیت و صدق قرآن شک کنند. از طرفداران این دیدگاه می‌توان آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله صافی را نام برد.

در برابر این دسته، دسته دیگری هستند که راه تفریط را پیموده‌اند و معتقدند که ما به هیچ وجه، حق نداریم مسائل علمی را هر قدر مسلم باشد و آیات قرآن، هر قدر روشن و صریح باشد تطبیق نماییم، این تعصب و جمود نیز، کاملاً بی‌دلیل به نظر می‌رسد. اگر راستی یک مسئله علمی به روشنی اثبات شده و از محیط فرضیه‌ها، قدم به جهان قوانین علمی گذارده و حتی گاهی جنبه حسی به خود گرفته مانند گردش زمین به دور خود یا گردش زمین، به دور آفتاب و مانند وجود گیاهان نر و ماده، تلقیح در عالم نباتات و امثال این‌ها و از سوی دیگر آیاتی از قرآن هم صراحت در این مسائل داشته باشد، چرا از تطبیق این مسائل، بر آیات قرآن، سر باز زنیم و از این توافق که نشانه عظمت این کتاب آسمانی است وحشت داشته باشیم. (همان: ۲۲۵-۲۲۳)

۳ - تفصیل بین نسبت دادن قطعی و احتمالی در تفسیر علمی
از آنجاکه علوم تجربی غیر قطعی است، چرا که استقراء ناقص است و نمی‌تواند یقین آور باشد و از طرف دیگر، وحی الهی که قرآن کریم، نمونه والای آن است قطعی و خدشه‌ناپذیر و خطاناپذیر است. پس ما حق نداریم که مطالب علوم تجربی را، به طور حتمی و قطعی، به قرآن نسبت دهیم و بگوییم قرآن همین را می‌گوید، بلکه با توجه به موافقت علوم جدید، با ظاهر آیه، این طور می‌توان گفت: که قرآن احتمالاً این مطلب علمی را می‌گوید.
در این مورد حتی اگر کسی نسبت قطعی به قرآن بدهد، نوعی تحمیل حساب می‌شود که جایز نیست؛ چون به تطبیق و تفسیر به رأی می‌انجامد. پس باید علوم را بر قرآن عرضه کنیم، نه قرآن را بر علوم. از طرفداران این دیدگاه می‌توان از آیت‌الله محمدهادی معرفت نام برد. (همان)

۴ - تفصیل بین استفاده از علوم، در فهم قرآن و تحمیل کردن نظریه‌های علمی بر آن. سید قطب (۱۹۰۶ - ۱۹۶۶ م) این تفصیل را ذکر کرده و نوشته است:
«چون مطالب علمی در معرض تغییر است و مطلق نیست، پس نمی‌توان آن‌ها را به قرآن که حقایق مطلق و نهایی دارد، نسبت داد، اضافه یا تحمیل کرد ولی می‌توان از مطالب کشف شده، در نظریه‌ها و حقایق علمی که راجع به وجود، حیات و انسان است، برای فهم قرآن استفاده کرد و مدلولات قرآن را توسعه داد. (همان: ۲۲۷)

به نظر می‌رسد که مفسر آگاه، برای تفسیر علمی از هیچ‌کدام از تفصیل‌های چهارگانه بی‌نیاز نیست؛ یعنی این تفصیل‌ها مکمل یکدیگرند و بی‌توجهی به هرکدام، انسان را به پرتگاه تفسیر به رأی می‌رساند.

۳. گونه‌های تفسیر علمی

تفسیر علمی، روش تفسیری است که خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می‌شود و همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند و گروهی آن را قبول کنند و بگویند تفسیر علمی، یکی از راه‌های اثبات قرآن است. ما در این بخش، شیوه‌های فرعی تفسیر علمی را مطرح می‌کنیم تا با هرکدام به صورت مختصر آشنا شویم:

۱-۳. استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی، مانند ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و... کوشیده‌اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی که ظاهرش با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هرگاه ظاهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل، می‌زدند و ظاهر آیات را به نظریه‌ها و علوم می‌که در نظر داشتند، بر می‌گرداندند. از اینجا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیئت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌کردند. برای مثال: از آیه شریفه «اذا مرضت فهو يشفين» (شعرا، ۸۰) علم پزشکی را استخراج کردند.

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد، در آیات قرآن بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن می‌شود. از همین روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند و با آن مخالف کرده‌اند و در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است. (همان: ۲۲۸-۲۲۹)

۲-۳. تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد، با مسلم پنداشتن قوانین و نظریه‌های علوم تجربی، سعی کردند تا آیاتی موافق آن را در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای

موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری حمل می‌کردند. برای مثال در آیه شریفه «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها» (اعراف، ۱۸۹)، اوست خدایی که همه شمارا از یک تن آفرید و او نیز جفتش را مقرر داشت»، کلمه نفس را، به معنای پروتون و زوج را الکترون معنی کردند و گفتند منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است آفریدیم و در این تفسیر، حتی رعایت معنی لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند. (رضایی اصفهانی، پیشین: ۲۲۹)

این گونه تفسیر علمی در یک قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق علمی گردید و یکسره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریه‌ها و عقاید بر قرآن طرد کردند. چنانکه علامه طباطبایی تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش‌داوری خالی باشد تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر یک نظریه علمی را انتخاب و بر قرآن تحمیل کند، پا را در طریق تفسیر به رأی گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است. (همان)

۳-۳. استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند و سعی می‌کند با استفاده از مطالب قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنی لغوی و اصطلاحی موافق است به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به سبب استقراء ناقص و مبنای ابطال‌پذیری - که اساس آن‌هاست - نمی‌توانند نظریه‌های قطعی بدهند. برای مثال از آیه شریفه «الشمس تجري لمستقر لها» (یس، ۳۸)، «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد» مردم

همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌دانستند، درحالی‌که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است. زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم. همان‌طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند. با پیشرفت علوی بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است - نه حرکت کاذب، بلکه واقعی - و خورشید بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری، در حرکت است. پس می‌گوییم اگر به‌طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی - حرکت انتقالی خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارهای هسته‌ای مرتب زیرورو می‌شود و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند بلکه مثل آب در جریان است. (همان)

در ضمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می‌شود. برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان، در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدود قرن قبل از آن، از زوج بودن تمام گیاهان بلکه همه موجودات سخن گفته است.

۴. معیارهای تفسیر علمی معتبر

تفسیر علمی، روشی تفسیری است که می‌تواند مانند سایر شیوه‌ها اگر به شکل صحیح و مطلوب مورد بهره‌برداری قرار گیرد، عامل هدایت مسلمین شود و اگر به‌درستی و شکل صحیح و مورد قبول از آن استفاده نشود موجب انحراف افکار و نادیده گرفتن اهداف هدایتی قرآن شده و سر از تفسیر به رأی در آورد. برای دوری از چنین پیامدهایی منفی و لغزش در تفسیر، مفسر باید معیارها، اصول و مبانی را رعایت نماید که در این جا به مهمترین آن معیارها اشاره می‌شود:

۴-۱. رعایت شرایط و قوانین عمومی تفسیر

تردیدی نیست که هر متن دینی و علمی، اصول و اصطلاحات و زبان خاص خود را دارد که باید با در نظر گرفتن آن اصول و شرایط به اظهارنظر در آن رشته علمی و دینی پرداخت. در

مورد تعداد علوم مورد نیاز در تفسیر قرآن، مطالب مختلفی بیان شده است. سیوطی ۱۵ علم را ذکر کرده است که مفسر باید از آن‌ها آگاهی داشته باشد. این علوم عبارت‌اند از:

۱. علم لغت؛ ۲. نحو؛ ۳. صرف؛ ۴. اشتقاق؛ ۵. معانی؛ ۶. بیان؛ ۷. بدیع؛ ۸. قراءات؛ ۹. اصول دین؛ ۱۰. اصول فقه؛ ۱۱. اسباب نزول؛ ۱۲. ناسخ و منسوخ؛ ۱۳. فقه؛ ۱۴. احادیث صحیح؛ ۱۵. موهبت (آنچه خدا به انسان‌های عامل به علم می‌بخشد). (سیوطی، ۱۹۸۷: ج ۲، ص ۳۹۷).

دکتر علی صغیر، آداب تفسیر را به سه بخش آداب موضوعی، نفسی و فنی تقسیم کرده است و در بخش آداب نفسی چهار شرط صحت اعتقاد، اخلاص و تفویض و تدبر و تفکر و علم موهبت را آورده است. (الصغیر، ۱۴۱۳: ۳۳-۵۲)

دکتر رمضان بوطی چهار شرط برای تفسیر ذکر کرده است:

۱. تفسیر مطابق دلیل‌های لغت عربی و قواعد آن باشد؛
۲. تناقض و تعارض با هیچ‌یک از آیات دیگر قرآن پیدا نکند؛
۳. مطابق قواعد تفسیر که مورد اتفاق است باشد، مانند احکام عام و خاص، اطلاق و تنقید و منطوق و مفهوم؛

۴. تفسیر با نص حدیث نبوی صحیح، تعارض پیدا نکند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲-۴. توجه به شأن و جایگاه قرآن

قرآن مجید، معجزه شگفت و جاودان الهی است که هیچ کتاب و اثری به پای آن نمی‌رسد. هر چه در بحر عمیق و ژرفای بی‌پایانش غور کنیم بیشتر به ناتوانی خود و عظمت آورنده آن پی می‌بریم.

کنت گریک استاد دانشگاه کمبریج انگلستان نوشته است:

«من مسلمان نیستم تا بگویم قرآن، کلام خداست، ولی در مدت چهارده قرن که از آمدن قرآن می‌گذرد، هیچ‌کس نتوانسته است از زبان عربی کلامی بیاورد که با قرآن برابری کنند.» (نظری، ۱۳۸۵: ۱۹)

این کلام الهی و معجزه بی‌همتا، برای ارائه برنامه‌هایی برای بشر آمده که در پرتو آن برنامه‌ها، زندگی کاملی داشته باشد. اگر قرآن کریم در موردی به مسائل غیرشرعی و مطالب علمی

بشری پرداخته است برای هدف‌های دیگری است از جمله، پی بردن به عظمت و قدرت خالق و آفریننده این آثار است.

«آیا در خودشان به تفکر پرداخته‌اند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است و جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است و [باین‌همه] بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را سخت منکرند.»^۱

قرآن مجید طی چندین آیه به بیان جایگاه و هدف نزول خویش پرداخته و فرموده است: «ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برای آنان توضیح دهی و [آن] برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»^۲ و در جای دیگر می‌فرماید: «این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.»^۳

مقصود از تبیان بودن قرآن برای همه‌چیز، تبیان همه امور دین و دنیا نیست بلکه غرض کلیه لوازمی است که در هدایت و ارشاد مسلمانان به کار می‌آید، یعنی همه‌چیزهایی که قرآن بدان مربوط است.

با توجه به آنچه گفتیم، قرآن، کتاب هدایت، موعظه، ارشاد و تربیت است و برای رسیدن به این هدف، از همه راه‌های مفید بهره جسته است. در طرح مباحث عقیدتی و اخلاقی، گاه به يك سلسله مسائل طبیعی و هستی‌شناسانه نیز اشاره کرده است، اما نه به قصد تبیین مسائل علمی و تجربی یا شرح قوانین بشری، بلکه به منظور پی بردن به عظمت، رحمت، حکمت و قدرت الهی و در نهایت تسلیم و خضوع و تشکر در برابر خالق هستی. از این رو، یکی از اصولی که هر مفسر باید مدنظر داشته باشد، توجه به این جایگاه بلند قرآن است. یعنی اصل قرار دادن این شأن و هدف، فرع قرار گرفتن اشارات علمی، نه اینکه با فراموش کردن رسالت قرآن، هر آیه متضمن مباحث علمی را تفسیر کرده و هدف نزول آن آیه با آیات را بیان همین قوانین علمی بداند؛ زیرا خداوند از زاویه هدایت به مباحث علمی نگریسته و این مطالب را

^۱ «اولم يتفكروا في انفسهم ما خلق الله السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى وان كثيرا من الناس بقاء ربهم لكافرون» (سورة روم، ۸)

^۲ «ما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه و هدى و رحمة لقوم يؤمنون» (نحل، ۴۴).

^۳ «و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شئ و هدى و رحمة و بشرى للمسلمين» (نحل، ۸۹).

به مقداری آورده که کاربرد هدایتی داشته باشد، اگر می‌خواست از زاویه حل يك مشکل علمی بنگرد، جامع‌تر و کامل‌تر از این بیان می‌کرد و وارد جزئیات می‌شد. (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۲)

۳-۴. تکیه بر قوانین علمی قطعی، نه فرضیه‌ها و نظریه‌های حدسی ظنی

در استناد به قوانین علمی و یافته‌های جدید باید مواظب بود، فرضیه‌هایی که هنوز برای دانشمندان علوم طبیعی و تجربی ثابت نشده و آنان در مورد آن به‌یقین نرسیده‌اند بر آیات قرآن تحمیل نشود؛ زیرا در این منجر به تفسیر به رأی می‌شود. هیچ اشکالی ندارد که قرآن با اهداف تربیتی و هدایتی، به برخی قوانین علمی به‌صورت کلی اشاراتی داشته باشد؛ اما این بدان معنا نیست که ریشه همه علوم و تمام ابعاد فرآورده‌های بشری را از قرآن جویا شویم و با اندک ارتباطی هر آیه را به یکی از علوم بشری نسبت دهیم. اساساً این کار نه‌تنها شأنی برای قرآن محسوب نمی‌شود، بلکه کاستن از جایگاه آن است، انطباق بین آیاتی که متضمن برخی اشارات علمی است و قوانین علمی که دانشمندان علوم تجربی در مورد آن به‌یقین رسیده‌اند و با تجربه و آزمایش آن را اثبات کرده‌اند، مانعی ندارد و مبین عظمت کتاب الهی است. (همان: ۵۵-۵۶)

۴-۴. رعایت هماهنگی و انسجام آیات

یکی از وجوه اعجاز قرآن هماهنگی و انسجام بین آیات آن است. هیچ اختلاف و تضاد و تناقضی بین آیات قرآن نیست با فرض اینکه در شرایط مختلف و طی بیش از دودهمه بر رسول خدا به تدریج نازل شده است.

قرآن مجید می‌فرماید:

«آیا در معانی قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود به‌یقین در آن اختلاف بسیاری می‌یافتید»^۱

قرآن مجید یکی از دلایل اعجاز خود را، راه نیافتن دست بشری به آن و عدم اختلاف و تناقض در آن می‌خواند.

^۱ «افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (نساء ۸۲)

تفسیر علمی باید با احاطه کامل بر آیات قرآن و اطلاع وافی از قانون علمی باشد تا به محض تصور مطابقت آیه‌ای با قانون علمی، حمل بر آن نشود، آنگاه با سیاق سایر آیات نسازد. به‌عنوان نمونه در مورد آفرینش انسان در ۷ سوره قرآن، طی ده‌ها آیه سخن به میان آمده است. برخی با تمسک به بعضی آیات، نظریه تکامل داروین را نتیجه گرفته‌اند. عده‌ای دیگر با تمسک به بعضی آیات دیگر، این نظریه را مردود شمردند.

برای پرهیز از تناقض در آیات، باید ارتباط همه آیات به‌طور موضوعی سنجیده شود. آنگاه طبق داده‌های قطعی علمی تفسیر شود. (همان: ۵۶-۵۸)

۴-۵. عدم تعارض با حقایق و مضامین قطعی شرعی

علم و دین دو بال پیشرفت بشرند و هیچ تعارضی با هم ندارند، علم در بستر دین، تقدس و ارزش می‌یابد و دین در پرتو علوم شکوفا می‌شود؛ اما باید توجه داشت علم و عقل بشری به حریم همه معارف و حقایق دینی راه ندارد، شرع مقدس اسلام، یک سلسله حقایق، احکام و معارف قطعی و تغییرناپذیری دارد که با پیشرفت علم و گذشت زمان، تغییر نمی‌کند. اعم از اینکه علم به فلسفه و راز آن پی ببرد یا نبرد.

به‌عنوان نمونه؛ گوشت خوک در اسلام حرام است. حال اگر علم روز ده‌ها فایده برای آن بشمرد و هیچ ضرر و فساد را برخوردن آن مترتب نبیند، باز هم حرام خواهد بود. باید توجه داشت در تفسیر علمی، امور تعبدی و ثواب شرعی مورد خدشه واقع نشود و مطلبی بر خلاف نص قرآن یا روایت و سنت بیان نشود. (همان: ۵۸)

۴-۶. ارتباط بین قانون علمی و آیه مورد نظر

از شرایط مهم در تفسیر علمی مقبول این است که آیه مورد بحث، با قانون علمی عرضه شده مرتبط بوده و بر آن دلالت کند و این مستلزم اطلاع کامل از تفسیر قرآن و آگاهی وافی از آن قانون علمی است.

اینکه به هر مناسبتی یا بدون هیچ ارتباطی تنها با یک اشاره سطحی و کنایی، آیه‌ای را حمل بر یک قانون علمی کنیم، صحیح نیست. چنان‌که ابوالفضل مُرسی علوم مختلف را بدون کمترین ارتباطی به قرآن نسبت داده است. به‌عنوان نمونه شیشه‌گری به آیه «المصباح فی زجاجة»

(نور، ۳۵)؛ نانوائی به آیه «احمل فوق رأسی خبزاً» (یوسف، ۴۱)؛ پارچه‌بافی به آیه «کمثل العنكبوت اتخذت بيتاً» (عنكبوت، ۴۱).

چنین برداشتی از آیات قرآن با تکلف و زحمت، نه تنها جایز نیست، بلکه ممنوع بوده و موجب تفسیر به رأی می‌شود؛ زیرا آیه هیچ اشاره صریح، ضمنی یا التزامی به این موضوع‌ها ندارد. (همان: ۵۸-۶۰)

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحثی در مورد تفسیر علمی بیان شد، به این نتیجه می‌رسیم که مراد از تفسیر علمی، اجتهاد مفسّر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن (از طرف خدا) صادر شده و صلاحیت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد. بعضی از گونه‌های از تفسیر علمی مانند استخراج همه علوم از قرآن، تطبیق علوم بر قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن کریم؛ غیر قابل قبول و مردود است. آن گونه از تفسیری علمی معتبر است که در صدد استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است و اینکه علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن درآید. مفسر، در تفسیر علمی، باید علاوه بر تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح عمومی شرایط تفسیر علمی معتبر را هم که عبارت است از: رعایت شرایط و قوانین عمومی تفسیر، توجه به شأن و جایگاه قرآن، تکیه بر قوانین علمی قطعی نه فرضیه‌ها و نظریه‌های حدسی ظنی، رعایت هماهنگی و انسجام آیات، عدم تعارض با حقایق و مضامین قطعی شرعی، ارتباط بین قانون علمی و آیه مورد نظر را رعایت نماید. پرداختن قرآن در بخشی از آیاتش به علوم تجربی و طبیعی می‌تواند بهترین مشوق و انگیزه برای مسلمانان باشد تا مسیر پژوهش‌های علمی را پی گرفته و به پیشرفت معرفتی و علمی دست یابند و بزرگ‌ترین چالش دنیای اسلام را که همانا عقب ماندگی در عرصه‌ی علوم است را درمان کنند. چنانکه این عامل نقش خود را در عصر اولیه‌ی طلایی اسلام که مسلمانان هم از نظر فهم و هم در عمل به قرآن نزدیک‌تر بودند به درستی ایفا کرد. سخن آخر اینکه: قرآن کتابی علمی نیست، بلکه هدف اساسی از نزول آن راه‌یابی انسان‌ها به کمال انسانی است و به قول شهید سید قطب در تفسیر فی ظلال، قرآن اساساً کتاب تربیت و هدایت و دعوت انسان‌ها به سوی خداست.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم بن منظور؛ لسان العرب؛ بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۸.
۳. بابایی، علی اکبر و همکاران؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۴. بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه؛ مجموعه مقالات روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن کریم، مبانی و اصول؛ تهران: موسسه نشر شهر، ۱۳۸۸.
۵. خویی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالزهراء، بی‌تا.
۶. خویی، سید ابوالقاسم؛ بیان در علوم و مسائل کلی قرآن؛ ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی؛ چاپ اول: تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۲.
۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۲۲.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ پژوهشی در تفسیر علمی (۱)؛ مجله پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی؛ شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ پژوهشی در تفسیر علمی (۲)؛ مجله پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی؛ شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۳.
۱۱. رفیعی محمدی، ناصر؛ تفسیر علمی قرآن (بررسی سیر تدوین و تطور)؛ تهران: نشر فرهنگ گستر، ۱۳۸۰.
۱۲. رفیعی محمدی، ناصر؛ سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن کریم؛ قم: مرکز جهانی، ۱۳۸۶.
۱۳. زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ مصر: المطبعة الخیریه، ۱۳۰۶.
۱۴. زرقانی، عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵.
۱۵. سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷.
۱۶. صفی پور، عبدالرحیم؛ منتهی الارب فی لغه العرب؛ تهران: کتابخانه سنایی، بی‌جا.
۱۷. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ بیروت: مکتبه الهلال، ۱۹۸۵م.

۱۸. عرجون، محمد الصادق؛ القرآن العظيم، هدايته و اعجازه؛ مصر: مكتبة الكليات الازهریه ۱۹۹۶.

۱۹. علی الصغیر، محمد حسین؛ دراسات قرآنیة، قم: مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳.

۲۰. غزالی ابو حامد؛ جواهر القرآن؛ بیروت: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۲۱. مطوری، علی؛ پژوهشی در تفسیر علمی قرآن؛ کیهان اندیشه شماره ۶۵ سال ۱۳۷۵.

۲۲. نظری، یحیی؛ قرآن و پدیده‌های طبیعت از دیدگاه دانش امروز؛ تهران: سحاب کتاب، ۱۳۵۸.